

اور ”میسور پیٹریٹ“ کے نام سے نکالنے کی اجازت دی ہے۔ مگر گورنمنٹ کا خیال ہے کہ ان دونوں کی آڑ میں اور ہی لوگ ہیں۔

۱۱ مئی ۱۹۰۹ء

پشاور میں ۲۳ اپریل ۱۹۰۹ء سے ایک اخبار افغان پشاور نام جاری ہوا ہے جو ماہ میں چار بار یکم، آٹھ، پندرہ، تیس کو نکلا کرے گا۔ جس کے پہلے کالم میں پشتو اور دوسرے میں اس کا اردو ترجمہ شائع ہوتا ہے۔ قیمت للہ سالانہ ہے۔

۲۵ مئی ۱۹۰۹ء

اخبار افغان پشاور کو صاحب چیف کمشنر بہادر صوبہ سرحدی نے آٹھ سو روپے سالانہ کی امداد دی۔ اسی طرح نواب صاحب ریاست دیر و نواب صاحب انب اور بہت سے رؤسا صوبہ سرحدی نے معتد بہ رقم عطا کی، جس سے اخبار کے سرسبزی کے ساتھ چلنے میں کچھ شک نہیں۔ اخبار کے ایڈیٹر سید محمد عبداللہ احقر بہت لائق آدمی معلوم دیتے ہیں۔ اخبار نہایت قیمتی وزنی کاغذ پر چھپتا ہے۔

(باقی)

انتخاب کلام

مائیوں بیٹھی دلہن سروسوں، سہرے دار کھاد
 جھمکے پن کیسیں ناچیں دلہن کی عم زاد
 پیری مائی تسبی تھامے دانہ دانہ پھینکے
 من ہی من میں کہتی جائے کر اپنے دن یاد
 مست ملنگ کھجور، گلے میں مالا، بال بکھیرے
 وجد میں آکر جھوم رہے ہیں ہر غم سے آزاد
 فصلوں کی بارات میں بانٹیں کلسے بیل بھنڈارا
 آنکھوں سے پرکھیں آئندہ رشتوں کی بنیاد
 کوئے، بھانڈ، فقیر، کبوتر، ٹولی ٹولی آئیں
 اور دعائیں مانگیں وپڑا سدا رہے آباد

(بر آب نیل - علی اکبر عباس ص ۱۰۱، ۱۰۲)

علامه اقبال ، غزالی عصر جدید

درین باب ، یعنی مقایسه اقبال و غزالی هر چه نوشته شود کم است چه این دو شخصیت بزرگ اسلامی از نقطه نظر اندیشه و نحوه ارائه اندیشه ها و تلفیق دین و فلسفه نکات مشترک بسیار داشته اند و هر کس که بخواهد این دو متفکر جهان اسلام را بشناسد باید عصر ایندو را بشناسد و بررسی کند ، اینان هر دو فرزند زمان خویشان بودند ، گر چه درین مرحله ناچاریم که چند سوال را مطرح کنیم تا هم حق تقدم غزالی محفوظ بماند و هم از جرأت و شجاعت جبلی اقبال یاد شود که یک تنه بر پای خاست و نهضت باز آفرینی اسلام را ارائه کرد.

- ۱- آیا اقبال تا چه حد تحت تأثیر غزالی قرار داشت.
- ۲- آیا غزالی برای تلفیق دین و فلسفه تا چه حد موفقیت یافته بود که هشتصد سال بعد اقبال همان برنامه را ارائه کرد.
- ۳- آیا نهضت غزالی تا چه حد برفع آئین اسلام و جهان بینی آن بود.
- ۴- آیا اصولاً می توان میان دین و فلسفه آشتی و موافقت بوجود آورد.
- ۵- سرچشمه الهام برای اقبال گذشته از علوم عقلی اسلامی چه منبعی بود.
- ۶- آیا نیاز به یک تحول و سنگر بندی برای دفاع از اسلام هانگونه که در عصر غزالی ضرورت داشت در عصر اقبال نیز ضرورت دارد. شاید درین گفتار مختصر به برخی ازین سوال ها جواب داده شود ، قضاوت آن با شماست.

در دوران شکوفائی فرهنگ اسلامی ، عصر متقدم عباسیان بغداد مرکز بزرگ گرد آوری و انتشار علوم عقلی سراسر جهان گردیده بود ، درین مرکز همه شعبه های علوم و فلسفه مورد توجه بود ، همه را از مشرق و مغرب گرد می آوردند و پس از ملاحظه و بررسی به آن رنگ اسلامی می دادند و بنا برین بغداد یک مرکز جذب و پخش گردیده بود. آزادی فکر و اندیشه و بحث و فحص سبب شد که حتی در باب فلسفه یونان و هند نیز که در برخی از موارد با آئین اسلام مناقات داشت مطالعات صورت گیرد ، اما این دوران درخشان کوتاه بود و بغداد از زمان معتصم به بعد این آزادی را محدود و محدود تر ساخت و آن طرفداران فکر آزاد به ناچار از بغداد به داخله

ایران رفتند و ری و اصفهان و بخارا مراکز تفکر علمی جهان اسلام گردید و متفکرانی چون فارابی و رازی و ابن سینا همه محصول این دوره اند.

ظهور قدرت ترکان در مشرق جهان اسلام، آخر عمر این آزادی محدود بحث و فحص اسلامی بود و پس از انهدام کامل این مراکز علمی و فلسفی در خراسان و ایران مرکزی، ظهور مردی که بتواند برگور این آزادی از دست رفته با مصالح اسلامی مقبره ای بسازد ضرورت داشت، این شخص غزالی بود. متفکری صلح جو، میانه رو و سازنده که از هرگونه افراط و تعصبی گریزان بود. مردی که در گذرگاه پرشرو شور این افکار و عقاید گوناگون، بر پای خاست و با عزمی راسخ مصمم شد که صلح پایداری میان همه متفکران و رئیسان و مروّجان اسلام بوجود بیاورد، وی در درجه اول یک روحانی اصیل و یک متکلم قدرتمند بود اما ناچار شد که از سیاست مذهبی سلجوقیان بزرگ طرفداری و متابعت کند. نام غزالی با مدرسی مدارس نظامیه توأمان است، چرا نظامیه ها بوجود آمد، این خود دلیلی جز آنچه گفتم نداشت، در عصر طلوع خورشید درخشان دولت جهانی سلجوقی، دوران وزارت نظام الملک اختلافهای فکری و عقیدتی بسیار زیاد شده بود، آن سرپوش محکمی که از عصر متوکل بیعد روی شعله های آزادی فکر گذاشتند نتوانست این شعله را محو و نابود سازد، نتیجه آن تقویت فرقه های اندیشمند اسلامی و ظهور فرقه های جدید شد، باطنی ها که قوی ترین این گروهها بودند با برخورداری از نهضت های محلی و ملی چنان قوی شدند که اگر نیروی نظامی تازه نفس سلجوقیان بغداد را نجات نمیداد، بساط خلافت عباسی درهم پیچیده می شد، آن دستی که خلافت را نجات داد، نظامیه ها را نیز تأسیس کرد. نظام الملک می دید که این اختلافهای شدید عقیدتی که حتی میان فرق اصلی اسلام، یعنی سنی ها و شیعه ها، بسیار گسترش یافته و خطرناک شده است، در آن هنگام که جنگهای صلیبی در جریان بود، تهدیدی است بزرگ بر موجودیت و عظمت اسلام... نظامیه ها مراکز بحث و خطابه شد، فقط مسئله تدریس نبود. وی می دانست که اگر جلو بحث آزاد گرفته شود، سکوت موقت مقدّمه طغیان و ناآرامی خواهد بود، وی یعنی نظام الملک یک سنی متعصب نبود بحدی که نتوانست در برابر پادشاه شافعی حنفی بماند، خانه اش پناهگاه علویان بود و صوفیان ویرا از خود می دانستند، هم به عظمت و قدرت اسلام معتقد بود و برای استحصال آن کوشش می کرد و هم ایران را دوست می داشت، وی مؤسس نظامیه ها بود و غزالی بزرگترین فرآورده این نظامیه ها، مدرس نظامیه نیشاپور و نظامیه بغداد. اما در آن عصر پر آشوب که اهل سبّ با تصعبات فوق العاده شدید خود مردم را از قیامت و عذابهای آن جهان بحدی می ترساندند که زنها در پای منبرها بیهوش می شدند و جان می دادند، عامل

مهم دیگری نیز وجود داشت که از حیث قدرت و نفوذ با آن برابری می کرد و آن عرفان و تصوف اسلامی بود، غزالی با آن سابقه عظیم علوم عقلی اسلامی برای درک فیض از چشمه جوشان عرفان اسلامی از مکتب و مدرسه و تحصیل و تدریس روگردان شد. . . فرار کرد و گمناز زیست تا بتواند دربارهٔ عرفان اسلامی نیز به تفکر و جستجو پردازد نتیجهٔ همهٔ تلاشها و کوششهای غزالی ارائه کتاب احیاء علوم دین بود که شاهکار وی است و پلی است میان دین و فلسفه. اگر این اثر نتوانست آشتی میان دین و فلسفه برقرار سازد، توانست که تا حدودی اختلاف میان فرق اسلامی را از میان بردارد، بعد ها متفکران اسلام بار دیگر متوجهٔ فلسفه شدند اما این بار فلسفه بر ضد دین نبود، فلسفه با دین همراه بود و ارزیابی این همراهی دین و فلسفه هنوز هم ادامه دارد، اما کسی که این نظر را ارائه کرد و با شیاعت در برابر مخالفان ایستاد غزالی بود. ابتکار غزالی عالم اسلام را از یک هرج و مرج و بی انضباطی علمی که نتیجهٔ ظهور مکتب های مختلف فکری و تضاد های ناشی از تعصبات جاهلانه بود رهانید و یک دوره نوین عظمت را به ارمنان آورده اسلام را نجات داد، در جنگهای صلیبی هم پیروز شد و توانست که گروه عیسویان متحد را به اروپا برگرداند، اما اروپا هم ازین تجربهٔ جنگهای صلیبی بهره مند شد، توجه به مشرق زمین و باز آفرینی فرنگی ارمنان بزرگ این تجربه بود ارمنانی که تمدن نوین اروپا را تکوین تکمیل کرد. و راه را برای تسلط جهانی اروپائیان هموار ساخت، اما اسلام چه کرد، پانصد سال پس از ظهور غزالی دچار ضعف و انحطاط شد، اسلامی که توانسته بود اتحاد اروپائیان و مغولان را درهم شکنند و مغولان را مسلمان سازد، در برابر موج استعمار طلب اروپا به سستی و ضعف گرائید، کمتر سالی از سال مسلمان جهان موفق شد که بتواند خود را از چنگال خونین استعمار غرب در امان دارد، اروپا از اختلاف مذهبی، فرقه ای و عقیدتی همه غیر اروپائیان از جمله مسلمانان، بهره مند شد، ضعف امپراتوری عثمانی، پادشاهان قاجار در ایران و تصرف هند و هند هلند همگام با توسعهٔ قدرت علمی و اندیشه ای اروپا مسلمانان را بخواری کشاند و البته متفکران جهان استعمار زده چاره کار را فقط اخذ و بهره مندی تمدن اروپائی می دانستند، اما گروهی نیز انگشت شمار پیدا شدند که نهضت باز آفرینی اسلامی را داروی این درد ها می دانستند، اقبال یکی ازین بزرگ مردان جهان اسلام بود که پس از سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی ظهور کرد. با این تفاوت که اقبال مردی از شبه قاره بود و در آلمان به تحصیل فلسفه پرداخته بود، سابقهٔ آشنائی وی با تصوف و عرفان، بان روش که در شبه قاره مرسوم و معمول بود آشنائی با فلسفهٔ نوین آلمان و اوج اختلافات سرنوشت ساز میان مسلمانان و هندوان در شبه قاره، اقبال را که بتفکر عادت داشت بیک نجات دهندهٔ مسئول